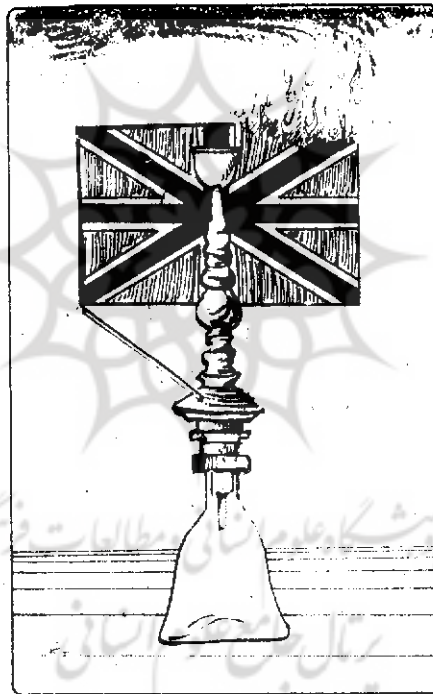


تحریم تنباکو، اولین گام رهائی از چنگال استعمار

با نقشه انگلیس و همکاری امین السلطان صدراعظم و توطئه درباریان انجام شده بود، انگلیسی ها پس از پذیرایی های فراوان از ناصرالدینشاه پیشنهاد دادن چند امتیاز جدید را میدهند که یکی از این پیشنهادهای و در واقع مهمترین آنها، گرفتن امتیاز توتون و تنباکوی ایران بود. انگلیسی ها که بسیار از تجربه استعمار هند خوش کام بودند، پس از قرارداد رویتز که به مدت ۷۰ سال حق بهره برداری از کلیه معادن، حق انحصار حفر قناتها و امور آبیاری، امتیاز انحصاری تأسیس راه آهن، اداره پست و تلگراف، تأسیس هرنوع کارخانه و اجاره ۲۵ ساله تمام گمرکات ایران را دارا بودند، اینک درصدد برآمده بود تا انحصار و امتیاز خرید و فروش تنباکو ایران را بدست گیرد. عیاشی و خودکامه گیهای ناصرالدینشاه در کشورهای اروپایی و دادن امتیاز و گرفتن رشوه تاجایی بالا گرفت که زبانزد سیاستمداران جهان شد تا جایی که حتی یکی از اعضای اداره امور خارجه دولت هند درباره موقعیت و آینده ایران بقضاوت می نشیند و در قسمتی از گزارش خود چنین می نویسد: «تنها هدف پادشاه مثل هریک از شاهزادگان و رجال دولتی، اندوختن هرچه بیشتر پول است... باید گفت که این کشور به عمر خود دوره ای را گذرانده است که طی آن از این کمتر بمصالح آن توجه شده باشد...» و یا اینکه «فوریه» طیب فرانسوی که مدت سه سال در دربار ایران بوده است در کتاب خود می نویسد: «در این تاریخ امتیاز روی امتیاز و پشت سرهم به اجانب داده میشود، بدون تردید طولی نخواهد کشید که ایران تماما بدست اجانب خواهد افتاد...»

پس از قبول و رضایت ناصرالدین شاه نسبت به انحصار تنباکو توسط انگلیس دولت انگلیس یکی از اتباص خود را بنام «ماژورتالیوت» طرف قرارداد معرفی کرده و طی

توتون و تنباکو در نطفه خفته می کند. دادن امتیاز توتون و تنباکو به انگلیس ها و تحریم آن از طرف علمای روحانی و شورش مردم ایران که بالاخره منجر به لغو این انحصار شد از وقایع اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار است و باید آن را اولین جنبش و بیداری مردم ایران برای بدست



آوردن حقوق خود برضد بیگانگان و خودسری و استبداد پادشاهان ایران ناخودآگاه و همچنین علت اصلی کشته شدن ناصرالدین شاه و سپس ایجاد مشروطیت در ایران نیز بر اثر همین واقعه بود.

واگذاری انحصار توتون و تنباکو
بمدت ۵۰ سال

در سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا که

مبارزات و فداکاریهای روحانیت پیشتر از آگاه و دوراندیش اسلام در نقشه مهم و تاریخ ساز در جهت رهایی ملل مستعبد شده اسلامی از زیر یوغ ظلم و بیادار استعمار و استبداد، ایفا کرده است. در هر زمانی که دشمنان اسلام زمینه را برای تاخت و تاز خود نامساعد می دیدند سعی میکردند از طریق استثمار و استعمار مردم مسلمان، قدمی در راه تضعیف جامعه اسلامی و بالاخص اسلام بردارند، در این زمان روحانیت مبارز و آگاه در برابر آن قامت می کشیده است. در تاریخ مبارزات، در جوامع و ملل مسلمان علیه تجاوز و بهره برداری کشورهای اجنبی و اعمال اجانب در داخل کشورهای مسلمان، هرگاه مبارزه رنگ اسلام و انقلاب اسلامی داشته است، روحانیت مبارز و مترقی نیز در آن نقشی ایفا نموده و مسئولیت خطیری را بدوش کشیده و مردم محروم و مسلمان را بر علیه ستمگران شورانگیز و مبارزه را به پیروزی رسانده است. در تاریخ مبارزات یک قرن اخیر، نام آیت الله

* هرگاه مبارزات رنگ اسلامی و انقلاب داشته است، روحانیت مبارز و مترقی نیز در آن نقشی اساسی ایفا کرده است.

میرزا محمد حسن سیرازی از درخشندگی خاصی برخوردار است. در آن زمان که ابرقدرتهای روس و انگلیس از هر طرف میخواستند ایران را زیر نفوذ خود برده و تمام سرمایه های ملی و دینی آنان را چپاول نمایند و کشورهای مسلمان را به زیر سلطه خود در آورند، وی بایک اقدام انقلابی، در مورد تحریم تنباکو، هیاهوی انگلیس را برای بدست آوردن امتیاز



یک قرارداد که به امضای طرفین میرسد امتیاز و انحصار تنباکوی کشور به کمپانی «رزی» واگذار میشود.

طبق فرمان خرید و فروش و ساختن توتون و تنباکو که در ایران بعمل میاید تا انقضاء مدت ۵۰ سال از تاریخ امضاء انحصارنامه واگذار میشود. در ۱۵ فصلی که در قرارداد ذکر میشود، صاحبان امتیاز نامه متعهد میشوند که در سال مبلغ ۱۵ هزار لیره بخزانه دولت بپردازند. تمام وسایل مورد نیاز شرکت از جمیع مالیات های گمرکی معاف میشوند و در صورت فسخ قرارداد زودتر از موقع تعیین شده مبالغ هنگفتی به عنوان خسارت به شرکت داده شود.

رجال دولتی ناصرالدینشاه سرمست از دریافت رشوه ها و دادن ۱۵ هزار لیره به خزانه دولت، مقدمات سفر تالبوت انگلیسی را فراهم می کنند. تالبوت به محض عقد قرارداد دست بکار تأسیس و توسعه کمپانی رزی در ایران میشود، باغ بسیار بزرگی در مرکز تهران خریداری کرده و ساختمان عظیمی در آن بنا میشود، و حصاری بلند نیز بدور آن کشیده میشود و به عنوان خوش خدمتی دومیلیون تومان رشوه به ناصرالدینشاه عرضه می کند، اما اقدامات کمپانی رزی تنها به استثمار اقتصادی مردم ایران ختم نمی شود بلکه بطور مستقیم نیروهای انگلیسی از راه نظامی و فرهنگی سعی در به سلطه کشیدن هرچه بیشتر ایران می کنند. در کتاب شرح حال عباس میرزا ملک آرا، در همین مورد آمده است: «انگلیسیان همه به ایران آمدند، مانند دولتی که ایران را فتح کرده باشد، به تمام بلاد مأمورین را فرستادند و در هر بلادی سوار

منافع سالیانه رزی قاعدتاً باید سی ۸۰۰ هزار لیره برسد و شرایط بسیار بد رزی ایران را در مقایسه با رزی ترکیه آشکارا سنگین کند...» در کنار صعوبت های اعتراض آمیز عده زیادی از ساکنان و معتمدان بازار با «سه ملاقات می کنند و از زیانهای این قرارداد می گویند. میرزای شیرازی مرجع بزرگ شیعیان نیز از محل اقامت خود در سامراء تلگرافی به دربار فرستاده و در آن از وطن فروشی و کجروهای دولت انتقاد می کند، میرزای آشتیانی روحانی مبارز تهران نیز طی تماسهای متعدد با شاه، وی را از عواقب این معامله شوم آگاه میسازد، و عده ای از مردم مسلح تبریز طی تلگرامهایی ولیعهد را که در تبریز ساکن بود، تهدید به مرگ می کنند.

اما پندها و تهدیدهای مخالفان قرارداد رزی اثر نبخشیده و شاه بی تفاوت به نظرات روحانیون و علماء ایران سرمست از رشوه خوارها و مسافرتهای فرنگ و حرمسراهای خود در بی خبری بسر می برد. تا اینکه در شیراز اولین جرقه آتش خشم مردم روشن میشود. مردم شیراز به محض اطلاع از آمدن شاه و ان کمپانی رزی به شهر، دکانها و بازارها را تعطیل کرده و به نشانه اعتراض در مسجد اجتماع می کنند. سیدعلی اکبر فال امیری روحانی مبارز شیراز بر بالای منبر رفته و شمشمیری را از زیر عیای خود بیرون میاورد و خطاب به مردم چنین می گوید: «مردم، موقع جهاد عمومی است، ای لطفاً ورق بزنید

بدیانت مسیح شدند، کلیساها ساخته شد و برای پیشرفت خود مریضخانه هایی بنا کردند و دختران مسلمان را که تا آن روز زیر پرده عصمت بودند برای پرستاری استخدام کرده و آنان را بی حجاب به امور پرستاری واداشتند...»

با قوام گرفتن کمپانی رزی کم کم نغمه های ناسازگار باطبع «قبله عالم» شنیده، گاهگاهی اعتراضاتی ابراز شد، در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان از قول ناظم الاسلام درباره اوضاع

* عیاشی ها و خودکامه گیهای ناصرالدین شاه در کشورهای اروپائی و دادن

امتیاز و گرفتن رشوه تاجانی بالا گرفت که زیانزد سیاستمداران جهانی

شد.

همان روزها می نویسد: «بزرگان ایران از علماء و غیرهم بر معایب و دخالت این عمل واقف شدند، که امروز دخانیات محدود شد، فردانک و روز دیگر هم میزم و ذغال و آب و غیره و به ازای آن مبالغی گرفته خواهد شد و صرف آبادی کشور نخواهد شد، با تفاوت موجب فلان شاهزاده است، یا مدد معاش فلان آقا زاده، یا خرج مسافرت فرنگ و نیاز خانم قشنگ...»

و یا اینکه در همان روزگار کفیل سرکنسول انگلیس در تبریز به کندی کارپرداز انگلیس می نویسد: «تبریزیان روشنفکر می گفتند که با توجه به کشت و مصرف وسیع تنباکو در ایران،

گرفتند که اجرای احکام آنان را نماید... و سواران را با موجب کافی، اسبان اعلی و اسلحه جدید مسلح نمودند...» و در کنار اقدامات نظامی برای تحکیم جای پا در خاک ایران، تلاشهای فرهنگی در جهت انهدام و از بین بردن فرهنگ اصیل اسلام بشدت گسترش یافت. شیخ ذبیح الله المحلاتی در کتاب «مائر الکبراء» در این زمینه میگوید: «... در این موقع از طرف فرنگیان عده زیادی مبلغ که در حدود صد هزار زن و مرد بود به ایران آمده و مرکز تبلیغ خود را در تهران قرار دادند، طولی نکشید که این عده در شهرستانها پخش شده و در هر نقطه مشغول تبلیغ مردم

مردم بکشید که جانم زان را نبوشید، من یک شمشیر و دو قطره خون دارم، هر بیگانه‌ای که برای انحصار، دخانیات به شیراز بیاید شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد...

سیدعلی اکبر فال اسیری، شبانه از خانه‌اش رفته شده و به بصره تبعید میشود. مردم با شنیدن خبر دستگیری و تبعید فال اسیری «وای اسلام» گویان به حرم شاهچراغ پناه می‌برند و در آنجا توسط مأموران حکومتی به خاک و خون کشیده میشوند.

تبریز نیز با نزدیک شدن ورود مأموران کمپانی رژی بیبا می‌خیزد، دروازه‌های شهر به کنترل مردم مسلح در آمده و از ورود مأموران کمپانی رژی بداخل شهر جلوگیری می‌کنند. رجال دولتی طی تلگرامهایی حوادث باور نکردنی تبریز را به ناصرالدین شاه خبر میدهند که: «فزاران مسلح در اطراف خانه «میرزا جواد آقا» مجتهد تبریز گرد می‌آیند، تمام اعلامیه‌های کمپانی رژی را پاره کنند» و مردم تبریز به شاه تلگراف می‌زنند که تمام فرنگی‌ها را خواهند کشت. یکی دیگر از مأموران دولتی گزارش میدهد که: «تبریز مانند جنگلی است آغشته به نفت که کوچکترین جرقه آن را شعله‌ور می‌کند. زندگی ولیمهد در خطر است و مأموران دولتی نیز هیچ قدرتی ندارند... ناصرالدین شاه برای تطمیع و ایجاد شکاف بین مردم، انگشتر الماسی

نیز شور مبارزاتی مردم روز بروز افزوده شده و همه منتظر فرمانی از سامراء میشوند... در همین اثناء سیدعلی اکبر فال اسیری و آقا میرالدین که هر دو در تبعید بسر می‌بردند، ارتباطات خود را با میرزای شیرازی برقرار می‌کنند و سیدجمال الدین اسدآبادی روحانی مبارز نیز طی نامه‌های متعدد از میرزای شیرازی می‌خواهد که هرچه زودتر فتوای لازم را بدهد وی در یکی از نامه‌های خود می‌نویسد: «بسم الله الرحمن الرحیم، حق را بگویم، من دوست داشتم این نامه را، اگر چه بنام شخص خاصی عنوان شده است، به همه دانشمندان تقدیم کنم.

... این نامه درخواست عاجزانه ملت اسلام است که به پیشگاه زمامداران عظیم‌الشان خود تقدیم می‌دارد...

این ملت پریشان اسلام در هر مصیبتی به تو چشم دوخته است و سعادت و رهایی و رستگاری خود را در دست تو میداند. باین حال اگر ملت را به حال خود گذاشته، به آنها توجه نکنی، افکارشان پریشان، دلهاشان از هم لرزان و پایه ایمانشان سست میشود... اما در چنین اوضاع و احوالی، ملت مسلمان که چشم امیدش به تو بسته است، می‌بیند که تو ساکت مانده‌ای و با وجود مسئولیت‌های عظیمی که به عهده داری، به کمک آنها نمی‌شتایی...

این مردم حق دارند که از هم میپرسند چرا

*** طبیعی که سه سال در دربار ایران بوده است در خاطرات خود می‌نویسد: در این تاریخ امتیاز روی امتیاز و پشت سرهم به اجانب داده میشود، بدون تردید طولی نخواهد کشید که ایران تماما بدست اجانب خواهد افتاد.**

را برای «موسی آقا» یکی دیگر از مجتهدان و علمای تبریز می‌فرستد تا با راضی کردن وی او را در مقابل میرزا جواد آقا قرار دهد اما «موسی آقا» با پس فرستادن انگشتر تمام توطئه‌ها را نقش بر آب می‌کند. در اصفهان نیز «آقا نجفی»، شیخ محمدعلی و ملا باقر فشارکی رهبری مردم را در اعتراض به قرارداد رژی بعهده می‌گیرند، و علماء فتوا می‌دهند که استعمال تنباکو حرام، حمایت کنندگان فرنگی مرتد و عمله‌جات دخانیات نجس هستند و در فتوای خود ورود آنها را به حمام، منبج و سفاخانه ممنوع می‌کنند. مردم اصفهان نیز یکپارچه دستورات علمای خود را به اجرا در می‌آورند. ناصرالدین شاه نیز طی تلگرافی سعی در نرمش مردم دارد و در تلگراف خود به آقا نجفی می‌گوید: «بی جهت عالم آسوده را آشفته نکنید، مردم با خون خود بازی نکنند، مشغول دعاگویی و رعیتی نباشند.» در شهرهای دیگر چون سمنان، یزد، مشهد و تهران

شیرازی با سیدجمال الدین اسدآبادی، سیدعلی اکبر فال اسیری، میرزا محمد حسن آشتیانی و تنی چند از روحانیون مبارز کشور، میرزای شیرازی حکم تحریم توتون و تنباکو را برای حفظ استقلال کشور و اسلام صادر می‌کند: «بسم الله الرحمن الرحیم الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحوکان در حکم محاربه با امام زمان است.» حکم مرجع شیعیان در مساجد و منابر تکرار میشود. و در مدت کوتاهی تمام مردم حکم میرزا را شنیده و آن را اجابت می‌کنند و بقول یکی از تاریخ نویسان یک روز پس از انتشار حکم میرزا از هیچ خانه‌ای دود قلیان بلند نشد و قلیانها را مردم شکسته و در میدان جلو عمارت ناصرالدینشاه انباشتند. با وجودی که مأمورین حکومتی دستور داشتند که هر کس که حکم میرزا را در دست دارد، دستگیر کنند اما با این حال در نصف روز صدهزار نسخه از حکم میرزا تکثیر و پخش میشود. حکم بطور دقیق در تمام خانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و سربازخانه‌ها و حتی در دربار و حرمسرای ناصرالدین شاه رعایت میشود. تحریم تنباکو در ایران چنان گسترش می‌یابد که حتی یهودیها و مسیحیان نیز از کشیدن دخانیات خودداری میکردند... در تبریز و شیراز و اصفهان که اولین مبارزات را انجام داده بودند به محض اطلاع از حکم میرزا دوباره شورش کرده و مبارزات خود را از سر می‌گیرند.

با شورش مردم رجال دولتی و ناصرالدینشاه درصدد بر می‌آیند که بنحوی رهبران دینی را تطمیع کنند به همین جهت نامه‌های چاپلوسانه و هدایای نفیسی را برای آنان می‌فرستند و می‌کوشند غائله را به طریقی خاتمه دهند. اما روز به روز روند مبارزاتی مردم شتاب بیشتری می‌گیرد و با اعلام حکم جهاد از سوی میرزای شیرازی مبارزات مردم به اوج خود می‌رسد و میرزا حکم جهاد را روز دوشنبه آینده یعنی تنها ۴۸ ساعت بعد از مهلت لغو امتیاز قرار میدهد. مردم نیز آماده جهاد شده و درصدد فراهم آوردن اسلحه برمی‌آیند و دولتمردان و سفرا و نمائندگان دول خارجی نیز هراسان شده و از شاه می‌خواهند که هرچه زودتر فکری برای این مشکل بکند... ناصرالدینشاه پس از چندین بار مکاتبه با میرزا حسن شیرازی و میرزا حسن آشتیانی نتیجه‌ای نمی‌گیرد و متوسل به خشونت میشود. طی دستخطی به میرزای آشتیانی می‌نویسد که بایند بروی منبر قلیان بکشد و یا اینکه تهران را ترک گوید. میرزای آشتیانی نیز در جواب می‌گوید: «نقص حکم حجة الاسلام (میرزای شیرازی) از هیچ رو برایم ممکن نیست ولی از تهران می‌روم. امروز را مهلت دهید تا وسیله حرکت را فراهم کنم...» خیر حرکت میرزای

نیز مجبور به الغای امتیاز و انحصار توتون و تنباکو از کمپانی رژی میشود...

به این ترتیب یکی از بزرگترین قیام های مردم مسلمان به پیروزی میرسد و زمینه را برای انقلاب مشروطیت آماده میسازد...

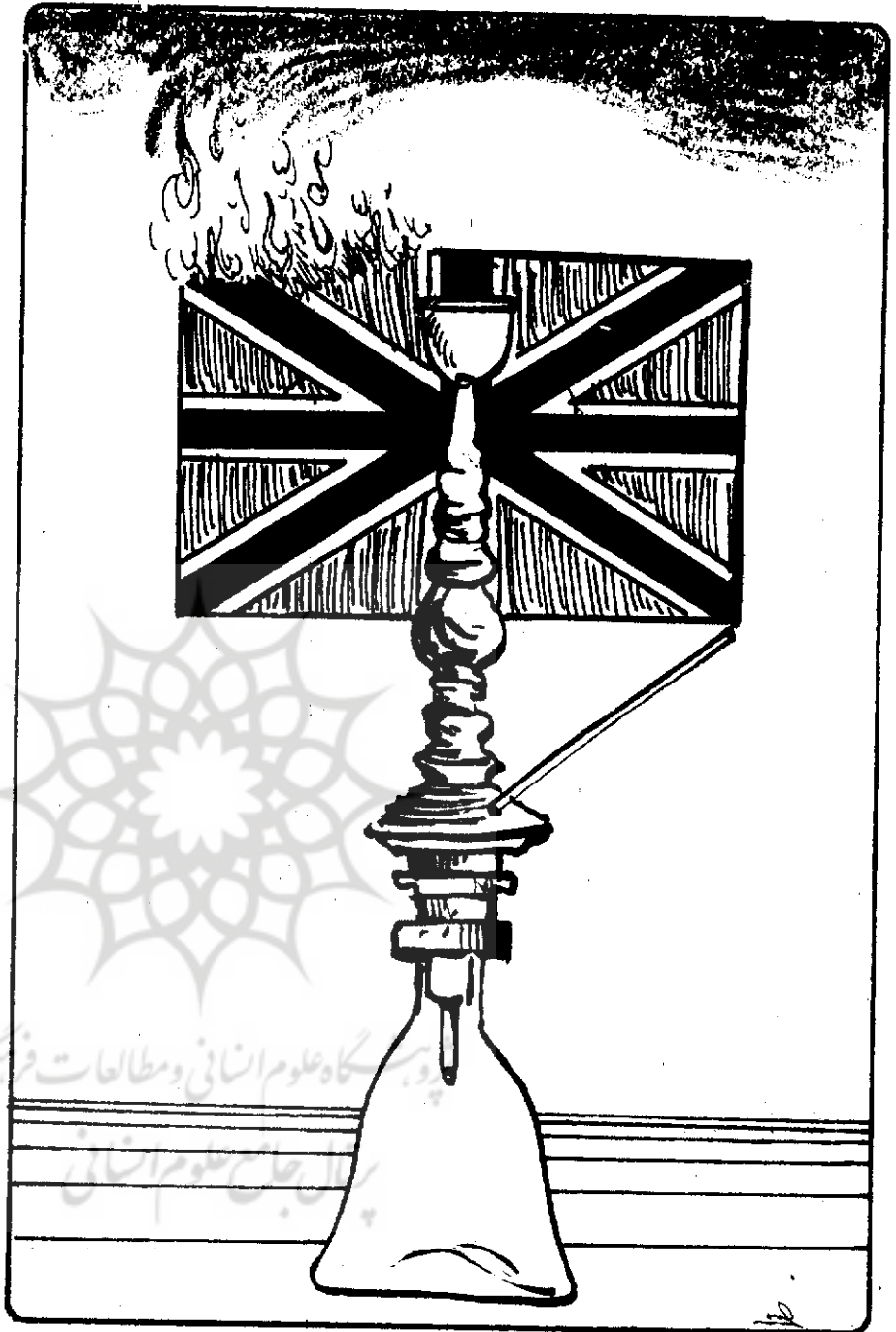
خصوصیات نهضت تنباکو

اگر چه طعم شیرین پیروزی مردم در نبرد با استعمارگران زیاد دوام نیاورد و سلسله قاجار و پدنبال آن، دیگر شاهنشاهان ایران روزگار مردم را سیاه کردند، اما با این حال اولین مقاومت منفی مردم و مبارزه آنان از خصوصیات ویژه ای برخوردار بود، که در جای خود درخور بررسی و تحسین است. یکی از این خصوصیات همکاری همه جانبه مردم و همگانی بودن نهضت است. زمانیکه حکم میرزا به داخل ایران میرسد از کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیرو جوان همه و همه بدون چون و چرا حکم میرزا را اجرا می کنند و در این باب دستخط اعتراف ناصرالدین شاه می تواند بهترین گواه باشد که: «اهالی تهران از اعلی و ادنی، زن و مرد، سیاه و سفید، غریب و خودی، بومی و شهری، حر و مملوک، از صغیر و کبیر به هیجان آمده، لرزه در ارکان شهر افتاد و همه ناله کنان و فریاد زنان و واشریعتا گویان، به هر طرف در حرکت و دور خانه میرزا طواف کنان بودند و بفاصله یکساعت، تمام داککین و سراها بسته و تعطیل عمومی شد».

زنان نیز از جمله کسانی بودند که در شکل گیری مبارزه منفی و پیروزی آن نقشی اساسی داشتند. در روز شورش زنان به نشانه حمایت از میرزا محمدحسن آشتیانی و جلوگیری از تبعید وی دور خانه حلقه می زدند و در مجالس عزاداری عمومی کسانی را که با میرزا حسن شیرازی مخالفت می کنند را پائین می کشند. حتی زنان حرمسرای ناصرالدینشاه نیز حکم میرزا را بلافاصله اجرا می کنند.

اطاعت محض از علماء از دیگر خصوصیات ویژه این نهضت بود، روزی که حکم تحریم میرسد سرعت در همه جا منتشر شده و همه بی هیچ تأملی دستور را گردن می نهند، فوریه طیب فرانسوی در بار انگیزه این اقدام شگفت انگیز را چنین می بیند: «مردم ایران هر وقت فتوایی از طرف ملای منتفذ یا مجتهد معتبر برسد با انطباق تمام اطاعت آن را گردن می نهند امروز اختیار بکلی در قبضه آخوندهاست».

حتی آمادگی مردم تا جایی بود که در برخی از شهرها و دهات مردم اسلحه خریده و آماده جهاد مسلحانه میشوند، از دیگر خصوصیات مهم این نهضت میتوان به اهداف اسلامی سازش ناپذیری و مقاومت رهبران دین، فداکاری و ایثار مردم را ذکر کرد. «والسلام»



حوالی ظهر همان روز هزاران نفر در حالیکه پیشاپیش جمعیت زنها شیون و ناله میکردند، روانه کاخ سلطنتی میشوند. زنها در سر راه خود به کاخ سلطنتی، در مغازه هایی را که تعطیل نکرده بودند، می بندند. زمانیکه جمعیت به میدان آرک می رسند شروع به عزاداری کرده و فریاد «یا صاحب الزمان» و «والسلام» فضا را پر می کند، سرانجام با دخالت ماموران نظامی ناصرالدینشاه چندین تن از مردم کشته و زخمی میشوند و شاه مجبور میشود که از خروج میرزای آشتیانی جلوگیری کند و بعد از چند روز

آشتیانی سرعت در تهران منتشر شده و دستجات مردم در هوای بسیار سرد در منزل آشتیانی گرد می آیند. روز هجرت میرزای آشتیانی با وفات حضرت فاطمه زهرا (ع) و مراسم عزاداری در منزل میرزای آشتیانی مصادف بود. میرزای آشتیانی در میان صد هزار نفر آماده رفتن میشود با حرکت میرزای آشتیانی بطرف خارج شهر، بازارها تعطیل و مردم در حالیکه چوب و چماق داشتند بصدای بلند عزاداری میکردند و فریاد می زدند «یا غریب الغریبا، می رود سرور ما...»